

## جزوه خلاصه آرایه های ادبی و قرابت معنایی همراه باتکنیک های تستی:

مصراع:هر بیت دارای دو مصراع

ردیف:واژه هایی در پایان مصراع ها عینا در یک معنی تکرار شوند.ممکن است یک یا چند واژه و یا حتی یک جمله نباشد.

قافیه:واژه هایی در پایان مصراع ها قبل از ردیف با حروف پایانی مشترک.قافیه در شعر سنتی اجباری است اما در شعر نو (نیمایی) نظم مشخصی ندارد.

تخلص: نام شاعر است که معمولاً در بیت پایانی و یا بیت های ماقبل آخر می آید.

وزن: آهنگ خاصی است در شعر.کلمات هم وزن دارای هجاهای مساوی اند.هجا: بخش کردن کلمه.هر هجا از «واج» یا «حرف» (شامل صامت ها و مصوت ها) می آید.هجاها ۳ نوع هستند:

۱-صامت+مصوت کوتاه« مثال»تو(ت)..۲-صامت+مصوت کوتاه+صامت: مثال« گل

۳-صامت+مصوت بلند؛مثال«مو..۴-صامت+مصوت کوتاه+دو یا چند صامت =» برد

۵-صامت+مصوت بلند+یک یا چند صامت=» سیب

موقوف المعانی: بیت هایی با معنای به هم وابسته.

لطیفه ی ادبی: سخنی که درون مایه ی آن «طنز» است.

قطعه ی ادبی: نوشته هایی لیریز از تخیل/«نثر شاعرانه» هم می گویند.

طنز: ضعف ها و ناهنجاری های اجتماعی را به شکل غیر مستقیم نکوهش می کند/هم در نثر و هم در شعر

مناظره (سوال و جواب): مثل مناظره خسرو با فرهاد

قصیده: مصراع اول با مصراع های زوج هم قافیه اند و معمولاً بیشتر از ۱۵ بیت است.-تغزل (تشبیب):«مقدمه ی قصیده

برخی قصیده ها تغزل ندارند-تخلص=»بیت های رابط میان «تغزل» و «تنه ی اصلی»(با تخلص نام شاعر اشتباه نگیرید). - تنه ی اصلی=» مقصود اصلی شاعر است اغلب در قالب قصیده از ادبیات غنایی است.

غزل: مصراع اول با مصراع های زوج هم قافیه اند.حداقل ۵ بیت و حداکثر ۱۵ بیت است.

قطعه: حداقل دو بیت است که تنها مصراع های زوج هم قافیه اند.

مثنوی: هر بیت قافیه ای جداگانه دارد و تعداد ابیات نامحدود است.

رباعی: شعری چهار مصراعی که مصراع های اول و دوم و چهارم هم قافیه اند. گاه مصراع سومش هم قافیه دارد. هجای اول همه ی مصراع هایش بلند است.از قالب های رایج شعر انقلاب اسلامی است.

دوبیتی: چهار مصراعی که مصراع های اول و دوم و چهارم هم قافیه اند از نظر وز، با رباعی تفاوت دارد.هجای اول مصراع هایش کوتاه است.

ترجیع بند: شعری است از چند بخش.هر بخش یک غزل است که قافیه جداگانه دارد بخشها را یک بیت تکراری پیوند میدهد.

ترکیب بند: همانند ترجیع بند اما بیت ها را یک بیت غیر تکراری پیوند می دهد.

مسمط: از رشته ها یا خانه های گوناگون که در هر رشته مصراع ها بجز مصراع آخر هم قافیه اند.منوچهری دامغانی مبتکر قالب مسمط شعر فارسی است.

چهار پاره: از چند بند (۴ مصراع) هم وزن با قافیه های متفاوت.مجموعه ای از دوبیتی ها که هر کدام قافیه جداگانه دارند.

مستزاد: به آخر هر مصراع کلماتی افزوده می شود.مثال:باغ جهان موسم اردیبهشت یا بهشت

شعر نو (نیمایی): وزن دارد، جای قافیه مشخص نیست.منظومه « افسانه» سراغاز شعر نو بود.شعر نو نیمایی از دو جهت ۱-محتوا و درون مایه ۲-شکل و قالب برتری دارد...انواع:الف)آزاد(نیمایی): ۱-وزن دارد ۲-جای قافیه مشخص نیست.

« مهدی اخوان ثالث » ، « سهراب سپهری » و « قیصر امین پور » (قسم))

(ب)سپید: ۱-آهنگ دارد ۲-وزن ندارد ۳-جای قافیه مشخص نیست.علی موسوی گرمارودی

(پ)موج نو: ۱-نه آهنگ دارد، نه قافیه و نه وزن ۲-فرق آن با نثر در تخیل شعری است ۳-به دشواری و پیچیدگی مشهور است.احمدرضا احمدی.....

## ارایه های ادبی:

**تشبیه:** شباهت میان دو یا چند چیز..دارای چهار رکن است : ۱-مشبه: مانند کردن آن.. ۲-مشبه به: مشبه به به آن تشبیه می شود.. ۳-وجه شبه: ویژگی مشترک مشبه و مشبه به.. ۴-ادات تشبیه: پیوند میان مشبه و مشبه به..ادات تشبیه و وجه شبه می توانند حذف شوند یعنی اضافه ی تشبیهی ساخته میشه: حتما باید یک ترکیب اضافی ( نه یک ترکیب وصفی)ساخته بشه مثلا: شهر عشق(عشق مانند شهر است).خانه دل(دل مانند خانه است)..گاه مشبه و مشبه به جابه جا می شوند.

**استعاره:** به کار رفتن مشبه یا مشبه به..استعاره مصرحه: تنها مشبه به باقی بماند.

«تشبیه» ادعای همانندی است اما «استعاره» ادعای یکسانی است مثلا در استعاره مصرحه ، «بت آمد» ؛ انگار «یار» همان «بت» است(ادعای یکسانی)..خانه ی دل مارا از کرم عمارت کن ----- پیش از آن که این خانه رونهد به ویرانی

خانه ی دل « اضافه تشبیهی اما خانه (در مصراع دوم) استعاره از « دل » است.استعاره مکنیه: مشبه ی است همراه یکی از ویژگی های مشبه به(یعنی اضافه استعاری):می تراود مهتاب» مهتاب همانند آب یا مایع می تراود.یامثلا دست روزگار(روزگار مانند انسان دست دارد)

**تشخیص:** استعاره ی مکنیه ای که «مشبه به» محذوف آن انسان باشد.شخصیت بخشی، آدم نمایی هم نامیده می شود.

کل بخندد» استعاره مکنیه و تشخیص

**مجاز:** یه واژه تو غیر معنای اصلی خودش به کار میرود.انواع: ۱-جزئی ۲-کلیه ۳-محل ۴-آلیه..علاقه ی جزئی: جزئی از یک چیز به جای کل آن به کار رود.علاقه ی کلیه: کل یک چیز به جای جزئی از آن به کار رود.علاقه ی محل: محل یک چیز به جای خود آن به کار رود.علاقه ی آلیه: ابزار انجام کاری به جای خود آن کار بیاید.

در استعاره بین واژه و معنای استعاره شباهت وجود دارد اما در مجاز رابطه ای(علاقه) غیر از شباهت وجود دارد.گاه یک واژه هم می تواند «مجاز»وهم «تشخیص»بیاید که اولویت با تشخیص است.مثال» دلا تا کی...دل» تشخیص(در اصل): اما(دل)می تواند مجاز از «انسان» هم باشد.مثالهای انواع مجاز: نهادند آوردگاهی چنان: آوردگاه «محل نبرد»..همه گوش شده بودند: گوش جزئی از «شنونده»است..مگر بند ، کز بند عاری بود: «بند» که ابزار «اسارت» است.سیه شد جهان پیش آن نامدار: کل «جهان» به جای «پدیده های جهان»

**کنایه:** عبارتی بادو معنی است که منظور گوینده معنی دور است.کنایه ارتباطی با تشبیه ندارد اما استعاره بر مبنای تشبیه است.در استعاره فقط معنی مجازی مورد نظر است ۱- درکنایه یک ترکیب در معنای غیر حقیقی به کار می رود اما در مجاز یک واژه ۲- درکنایه هر دو معنی می تواند پذیرفتنی باشد اما در مجاز فقط معنی مجازی پذیرفتنی ست.

آب شدن کسی: کنایه از «شرمنده شدن».همیشه خون جگر داده اند مهمان را:خون جگر « کنایه از «آزردن»

**واج آرایی (نغمه ی حروف):** تکرار یک واج (صامت یا مصوت) باید بیش از ۳ بار در فاصله ی بسیار نزدیک تکرار شده باشد.مثال:ای شط شیرین پر شوکت من:تکرار «کسره» (۷ بار) و «ش» (۴ بار)

**تکرار:** یک واژه ۲ بار یا بیشتر تکرار شود.خیال روی کسی در سراسر هر کس را (کس)

**آرایه ی سجع:** در پایان دو جمله می آید(حداقل دو جمله لازم است).«سجع» در نثر ، همان «قافیه» در شعر است. در شعر هم بکار می رود.گاهی درجمله حاوی سجع فعل جمله ی دوم ، به قرینه ی لفظی حذف می شود.انواع:روح ، فتوح» سجع مطرف:واج های پایانی (وح) یکسان اند.عزیز ، ذلیل» سجع متوازن:وزن یکسان دارند(یعنی تعداد بخش ها مساوی اند:عزیز و ذلیل).زاینده و پاینده» سجع متوازی:هم وزنشون هم حرف آخرشون یکسان اند..عبدالله عمر بیکاست اما عذر نخواست.

**جناس:** واژه هایی دارای حروف مشترک و هم جنس.انواع:جناس تام: ظاهر یکسان ، معنای متفاوت:بهرام که (گور) می گرفتی همه عمر..دید ی که چگونه (گور) بهرام گرفت:گور اول: گورخر-گور دوم: قبر.

گاه واژه های قافیه «جناس تام» دارند. پاری است سر بر دوش من، خواهم فکندن یار من-پاری چو پاری می کشم بر دوش هم یار شما: یار (اول و دوم و چهارم): یار و محموله (بار سوم): دفعه و مرتبه یار (پنجم): یار و محموله (استعاره از «جفا و بی مهری»)..انواع جناس ناقص: جناس ناقص اختلافی: فقط در یک حرف اختلاف داشته باشند: نوش در نیش

جناس ناقص حرکتی: فقط در مصوت های کوتاه (کسره و فتحه و ضمه) اختلاف داشته باشند: شکر کند چرخ فلک از ملک و ملک و ملک..جناس ناقص افزایشی: یکی از واژه ها فقط یک حرف بیشتر داشته باشد: خمرم و خمارم

مراعات نظیر (تناسب): واژه هایی از یک مجموعه از نظر نوع، جنس، زمان، مکان...قول زاغ و غزل مرغ چمن، هردو یکی است-نغمه ی بلبل و غوغای زغن، هردو یکی است: (زاغ و مرغ چمن و بلبل و زغن) همگی پرندگان اند.

(نماز و محراب و طهارت: مربوط به عبادت)-(سر و پا: اعضای بدن)-شمع و گل هم هرکدام از شعله ای در آتش اند:

(شمع و گل)-(شعله و آتش)

تضاد (طباق): دو یا چند واژه با معنی و مفهوم متضاد.گاه واژه های متضاد، علاوه بر تضاد، مراعات نظیر هم دارند.

جلوه ی بخت تو دل می برد از شاه و گدا: (شاه) و (گدا) تضاد دارند.. پیاده به از چون تو پانصد سوار: (پیاده و سوار)

متناقض نما (پارادوکس): دو صفت یا دو مفهوم متضاد، یک جا و هم زمان اند.مثال: رهرو بنشسته- گویای خموش..

گاهی به صورت یک مفهوم کلی میاد: دل من است که هم جمع و هم پریشان است: اینکه دل: هم جمعیت خاطر و هم پریشان است متناقض ناست.

تلمیح: اشاره به آیه، حدیث، داستان، افسانه و... در نثر یا شعر است. آسمان بار امانت نتوانست کشید: تلمیح به آیه... بیستون بر سر راه است: تلمیح به داستان... ز گهواره تا گور دانش بجوی: تلمیح به حدیث... کاین کیمیای هستی قارون کند گدا: تلمیح به ماجرای قارون... از مه او مه شکافت: تلمیح به معجزه...

تضمین: آوردن «آیه»، «حدیث» ویا «مصراع» از یک شاعر دیگر در سخن خود-مثال: در شعر: چه زخم نای هردم..

..... همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی- به پیام آشنایی بنوازد آشنا را: بیت دوم از حافظ است.

تضمین بخشی از آیه: زینهار از قرین بد، زینهار- و قنار بنا عذاب النار

ایهام: واژه ای با حداقل دو معنی در شعر یا نثر.. گاه تخلص شاعران دارای «ایهام» است: رهی معیری (رهی)-

بر دل بهایی نه هر بلا که بتوانی: بهایی «ایهام: ۱) ارزشمند ۲) تخلص شیخ بهایی.. گفتم که ماه من شو.. گفتا اگر برآید:

برآید: ۱- طلوع کند ۲- امکان پذیر باشد.. در سخن مخفی شدم مانند بو در برگ گل: مخفی: ۱- پنهان ۲- تخلص زیب النساء

راز نهان دار و خمش: خمش: ۱- ساکت ۲- تخلص مولانا

ایهام تناسب: واژه ای با حداقل دو معنی (اصلی: مدنظر/غیر اصلی: تناسب با واژه های دیگر/مدنظر نیست). که یک معنی آن مورد نظر است.. در ایهام اغلب هردو معنی پذیرفتنی است اما در ایهام تناسب تنها یک معنی: اون معنی که با دیگر واژه ها تناسب ندارد مدنظر شاعر است. مثال: یک روز که خسرو زنگ قران، در شهناز شوری به پا کرده بود: شور: ۱- شور و هیجان (معنای اصلی و مدنظر) ۲- دستگاه موسیقی: تناسب دارد با شهناز: از آهنگ های موسیقی (ولی مدنظر شاعر نیست).. که شطرنج محبت با رخ خوب تو می بازد: رخ: ۱- چهره (معنای اصلی) ۲- مهره شطرنج (معنای غیر اصلی: تناسب دارد با: شطرنج/می بازد)

حس آمیزی: آمیختن دو یا چند حس مختلف (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، لامسه): شنیدن بو- شعر تر- آواز سرخ

نگاه کن ببین چی می گیم: ببین می گیم: حس بینایی- می گیم: حس شنوایی.. صدایی گرم: صدا: حس شنوایی- گرمی: حس لامسه

حسن تعلیل: آوردن دلیل غیرواقعی اما شاعرانه به جای دلیل واقعی.. در حسن تعلیل اغلب در داخل بیت حروف ربط یا واژه های معادل آن ها می آید (که/چون/از....)- گاه با توجه به معنی و مفهوم بیت می توان به حسن تعلیل آن بیت پی برد. مثال:

تویی بهانه ی آن ابرها که می گویند:دلیل باران دلتنگی برای ظهور امام زمان (عج) است.(که)حرف ربط..

از آن مرد دانا دهن دوخته ست-که بیند که شمع از زبان سوخته ست:دلیل سکوت دانایان عبرت پذیری از سوختن شمع ( پرگویی) است.

اغراق:وجود صفت محال یا بیش از حد معمول ( لاف زدن )-امر غیر ممکن،ممکن به نظر برسد.

فلک باخت ازسهم (ترس) آن جنگ ،رنگ:اغراق در شدت نبرد میان دو پهلوان-شود کوه آهن چو دریای آب..اگر بشنود نام افراسیاب:اغراق در قدرت افراسیاب-از آب دیده ی من ،فرش خاک تر شد:اغراق در اشک های فراوان..

اسلوب معادله:دو مصراع در ظاهر،هیچ گونه رابطه ای ندارند اما درحقیقت ارتباط معنایی دارند و مصراع دوم مثال برای مصراع اول است.ارتباط آنها برپایه ی تشبیه است-می توان جای دو مصراع را عوض کرد یا میان آن ها علامت مساوی ویا ( همان طور)که گذاشت-اگر عبارتهای دو مصراع رو مرتب کنیم واژه هایی معادل هم دیگه هستند.مثال:

دود اگر بالا نشیند کسر شان شعله نیست-جای چشم ابرو نگیرد گرچه او بالاتر است:۱). (همان طور که)۲)مصراع دوم مصدافی برا مصدافی اول است ۳)میتوان جای دو مصراع را عوض کرد.۴)واژه هایی که معادل هم دیگه هستند:

بالاتر نشستن= بالاتر بودن/دود= ابرو/کسرشان نبودن=بی ارزش نبودن/شعله = چشم

اسلوب معادله را با حسن تعلیل اشتباه نگیرید.در اسلوب:دلیل ادبی ذکر نمی شود دو مصراع کاملاً مستقل و جدا از یکدیگرند.

اما درحسن تعلیل:علت و دلیل ادبی ذکر می شود-مصراع دوم مصدافی برای مصراع اول میباشد-در اغلب موارد حروف ربط می آیند:که از دروغ سیه روی گشت صبح نخست:علت سیه رویی صبح دروغ گویی است.البته در اسلوب معادله در ابتدای مصراع دوم حروف ربط اشکالی ندارد:مثل:تا نگرید ابر ،کی خندد چمن-تا نگرید طفل، کی نوشد لبن

ضرب المثل: مثل آوردن-به کار گرفتن جمله های کوتاه ،پندآمیز که در میان مردم رایج شده اند:مثال:پای از گلیم خویش چرا بیشتر کشیم--تعجیل فراوان عمل شیطان است..گر صبرکنی ز غوره حلوا سازی:مصراع دوم ضرب المثل است.

درضرب المثل همانند اسلوب معادله برای یک موضوع مثال یا مصداق می آید اما برخلاف اسلوب معادله نمی توان ( همان طور)که یا ( علامت مساوی) گذاشت و جای دو مصراع را اغلب نمی توان عوض کرد وواژه های دو مصراع به هیچ وجه دوبه دو معادل یک دیگر نیستند.مثال:با تهی دست قناعت کن که نی-بی نوا گردد چو پر شکرشود:در این بیت جای دو مصراع را نمی توان عوض کرد چون ضرب المثل دارد نه اسلوب معادله..(حرف ربط:که)

نبودش ز تشنیع یاران خبر-که غرقه ندارد ز باران خبر:ضرب المثل است نه اسلوب معادله:جای دو مصراع را به دلیل وجود حرف ( که ) نمی توان عوض کرد..گاه یک بیت یا مصراع خودش ضرب المثل نیست اما یادآور یک ضرب المثل است:ببازید چون ژاله ز ابر سیاه-کسی را نبد بر زمین جایگاه:مصراع دوم یادآور ضرب المثل ( جای سوزن انداختن نبود).

نماد:یک واژه به جز معنی اصلی خود نشانه معانی دیگر هم قرار بگیرد.مثال:علی ای همای رحمت:هما نماد خوش بختی

گون از نسیم پرسید:گون نماد انسان های گرفتار-نسیم نماد انسان های آزاد..بی تو اگر سرخ بود ،از اثر غازه شود:غازه نماد زیبایی موقتی..که بیند که شمع از زبان سوخته است:شمع نماد پرگویی

لف و نشر: آوردن دو یاچند واژه دربخشی ازکلام که توضیح آن ها دربخش دیگر بیاید.

مثال:قد و ریخ و چشمش-سرو و گیل و پادام

## مثال های ترکیبی:

مثال ۱:برو ای گدای مسکین در خانه ی علی زن-که نگین پادشاهی دهداز کرم گدا را:

تضاد(پادشاه/گدا) تلمیح(اینکه حضرت علی ع) کنایه(در خانه کسی را زدن)

مثال ۲:بزد بر سر و سینه ی اشکبوس-سپهر آن زمان دست او داد بوس:تشخیص: بوسه دادن سپهر

جناس تام: پیر اول: حرف اضافه و پیر دوم: سینه..مراعات نظیر: بر ، سینه ، دست..واج آرای: صامت های (ب) ۵ بار و (س) ۵ بار

مثال ۳: فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ-بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ:استعاره: ۱-شیر ۲-پلنگ..اغراق..تشخیص: ترسیدن فلک..جناس ناقص: جنگ-رنگ..کنایه: رنگ باختن..مراعات نظیر: شیر ، پلنگ..واج آرای: ن ۶ بار گ ۵ بار

مثال ۴: به خواب عافیت آن گه به بوی موی تو باشم: ایهام: بو: ۱(رایحه ۲) امید وارزو..جناس ناقص: بو ومو..مجاز: مو مجاز از کل وجود

مثال ۵: بیشکن دل بی نوای ما را ای عشق-این ساز شکسته اش خوش آهنگ تر است:استعاره: ساز استعاره از دل..ایهام تناسب: بی نوا : ۱- بیچاره و بی چیز ۲- بی صدا و بی آهنگ(تناسب با ساز و شکسته)..تشخیص: مخاطب قرارگرفتن عشق

حسن تعلیل: شاعر دلیل خوش نوا شدن خود را شکسته شدن دل دانسته..مراعات نظیر: ساز ، نوا ، آهنگ ، شکسته.

واج آرای: (ش) ۵ بار

### انواع تیپ های تستی:

۱) در صورت سوال تعدادی ارایه میدهند: راه حل:درچنین سوالاتی از یک ارایه ساده شروع کنید و رد گزینه کنید:

مثال ۱: در کدام بیت هر ۳ ارایه(تشبیه.استعاره.کنایه)وجود دارند:

به صحرای هوس تاکی دلا سردر هوا گردی-نمی بینی رهی ترسم چو گم گردی چه واگردی:

از تشبیه شروع میکنیم:صحرای هوس اضافه تشبیهی است..دلا(استعاره)..سر در هوا گردی(کنایه)

۲) تعدادی ارایه در گزینه ها میدهند:از ارایه هایی مثل:اسلوب معادله.حسن تعلیل.تلمیح.حسن امیزی.تضاد.مراعات نظیر.کنایه و...شروع کنید و رد گزینه کنید

مثال ۲: کدام ارایه ها تماما در بیت زیر وجود دارند؟

ماه و پروین از خجالت رخ فروپوشد اگر-افتاب اسا کند در شب تجلی روی تو...نه تلمیح دارد نه اسلوب معادله نه پارادکس نه حسن تعلیل..اما دارای:مجاز(ماه و پروین)..کنایه(رخ فروپوشیدن)..تشبیه(روی به افتاب)..استعاره و تشخیص(رخ فرو پوشیدن ماه و پروین)

۳) ارایه را در مقابل هربیت میدهند و درست یا نادرست را میخواهند:از ارایه های ساده تر شروع کنید

مثال ۳: به لطف اگر بخوری خون من روا باشد-به قهرم از نظر خویشتن مران ای دوست(حسن تعلیل:ندارد)

۴) ارایه های صورت سوال را به ترتیب در گزینه ها میخواهند.

راه حل:به گزینه ها نگاه کنید بین هردو گزینه متضادیابی کنید(یعنی موارد متضاد را پیدا کنید)سپس ارایه ساده تر را چک کنید و رد گزینه کنید

مثال ۴: ارایه های (حسن امیزی.تلمیح.کنایه.جناس تام)به ترتیب در کدام ابیات وجود دارند

الف:گر صدفبار غمت خاک را داد به باد-نیست بر خاطر من از تو غباری باری

ب:چشمت به خواب چشم مرا خواب میبرد-زلفت به تاب جان مرا تاب میبرد

ج:از سر یک دانه گندم در نمی اری گذشت-وز برای نزهت دل باغ رضوان بایدت

د:چنان بر صورت شیرین این دیوانه مفتونم-که در خاطر نمیگنجد خیال ملک پرویزم

۱) الف.ج.ب.د ۲) الف.د.ب.ج ۳) د.ج.الف.ب ۴) د.ب.الف.ج

راه حل:براساس گزینه ها باید حسن امیزی را(در الف و دال) و تلمیح را(در ب و ج و د) و کنایه را(در الف و ب) و جناس تام را(در ب و ج و د) چک کنید..با بررسی حسن امیزی چون الف حسن امیزی ندارد گزینه های ۱ و ۲ رد میشوند و با بررسی تلمیح در ب و ج (بین گزینه های ۳ و ۴) گزینه ۴ رد میشود....پاسخ گزینه ۳

۵: در بیتی که رایه فلان(مجاز)بکار رفته است چندبار رایه فلان(تشبیه)بکار رفته است:ابتدا قسمت اول سوال را بررسی کن و رد گزینه کن(ممکنه همین جا به جواب بررسی) سپس به بررسی رایه(قسمت دوم سوال) در گزینه های باقیمانده پرداز.

مثال ۵: در مصراع اول بیتی که تلمیح یا تمثیل نداردچند استعاره بکار رفته است:

۱)چنین گفته پیغمبر راست گوی-زگهواره تا گور دانش بجوی(یکی)

۲)چه گفت ان سخنگوی پاسخ نیوش-که دیوار دارد به گفتار گوش(یکی)

۳)بگسترده کافور بر جای مشک-گل و ارغوان شد به پالیز خشک(دوتا)

۴)اسمان بار امانت نتوانست کشید-قرعه کار به نام من دیوانه زدند(دوتا)

پاسخ:گزینه ۱ تلمیح و گزینه ۲ تمثیل و گزینه ۴ تلمیح دارند.تا همین جا به جواب رسیدین

### شیوه پاسخگویی تست های قرابت معنایی:

۱) ابتدا بیت ها را درست بخوانید:برای این کار:به معانی برخی واژه ها یا برخی رایه های ادبی مرتبط با مفهوم جمله یا نقش نما یا همنشینی واژه ها یا.....دقت کنید

۲) گاهی مفهوم بیت عینا در یک عبارت ۳یا۴ کلمه ای از همان بیت وجود دارد زیر ان حتما خط بکشید

۳) گاهی مفهوم بیت عینا در کلمات کلیدی همان بیت است ولی از هم فاصله دارند باز زیر انها خط بکشید

۴) اگر پیام بیت توسط کلمات ان مشخص نشد مفهوم ان را در ۳یا۴ کلمه جلوی همان بیت بنویسید

۵) دقت کنید ببینید مفهوم بیت منفی هست یا مثبت

۶)در اخر به مقایسه بیت ها پردازید و گزینه صحیح را طبق خواسته سوال مشخص کنید

۷)مهمترین سرنخ های جواب دهی را همان واژه های درون بیت میدهند حالا ممکنه بصورت عینی یا معنایی وکنایی

مثال ۱:جسم خاکی است حجاب نظر راهروان...سیل چون گرد ره از خویش فشان دریاست

پاسخ:وقتی این بیت را میخوانید کافیت زیر(جسم خاکی است حجاب) خط بکشید

مثال ۲:هرکه گم کرد در این بادیه خود را خضر است..هرکه گرداند رخ از دیدن خود قبله نماست

پاسخ: وقتی این بیت را میخوانید کافیت زیر(گم کرد...خود را) خط بکشید:اینجا با فاصله آمدند

مثال ۳:تا کمر بیستم غبار از کاروان برجا نبود...از کمین تا سر بر آوردم شکار از دست رفت

پاسخ:بیت را که خواندید بر اساس قراین موجود در بیت مفهوم ان را در ۳یا۴ کلمه بنویسید(مثلا:زود گذشتن دوران عمر)

مثال ۴:پیشه ام نقاشی ست گاهگاهی...تا به اواز شقایق که در ان زندانیست دل تنهایی تان.....

پاسخ:عبارت (زندانی بودن اواز شقایق) مفهوم منفی (نرسیدن به آرزو) را بیان میکند

تمام آرزویتان

رویاری باشد

نه فرار و ای کاش....